

فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹ (شماره پیاپی ۶۳)
مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر کووید-۱۹ بر منازعات خاورمیانه: مطالعه موردی سوریه، یمن و عراق

مرتضی نورمحمدی^۱ - مهدیه حیدری^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۶ - پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۹

چکیده

پرسش اصلی مطرح شده این است که چرا همزمان با شیوع کووید-۱۹ در خاورمیانه، منازعات و درگیری‌های نظامی از تداوم و شدت بیشتری برخوردار شده است؟ فرضیه تحقیق این است که شیوع کووید-۱۹ و درگیری دولت‌های منطقه با ویروس کرونا و تلاش برای مهار و مقابله با آن، منجر به ایجاد اختلال در عملکردشان و یک خلا امنیتی شده است، به گونه‌ای که گروه‌های درگیر، مصمم شدند تا از این فرصت استفاده کرده و در صدد پر کردن این خلا امنیتی به نفع خود برآیند. نتیجه پژوهش این است که ادراک تهدید دولت‌ها از امنیت و نوع تهدیدات در خاورمیانه، همچنان مبتنی بر تهدیدات نظامی بوده و گسترش ویروس کرونا منجر به تغییری در این برداشت نشده است. از این رو، برداشت تهدید مشترکی از کووید-۱۹ که نیازمند همکاری و تشریک مساعی دولت‌ها و طرف‌های درگیر برای مهار و مقابله با آن است؛ در خاورمیانه وجود ندارد. شیوه گردآوری مطالب و داده‌ها در این تحقیق مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز روش تحقیق بر مبنای روش تحقیقی توصیفی تحلیلی است.

واژگان کلیدی: کووید-۱۹، منازعه، خاورمیانه، واقع‌گرای تدافعی، موازنه تهدید

mnourmohammadi@atu.ac.ir

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.heydari2010@yahoo.co

مقدمه

شیوع ویروس کرونا در چین در اواخر سال ۲۰۱۹، همه دنیا را متأثر کرده است. اگرچه این بحران ممکن است یک بحران جهانی باشد، اما قطعاً تأثیر و پیامدهای آن بر همه مناطق جهان یکسان نخواهد بود. کشورهای این منطقه ترکیبی از دولت‌های غنی و فقیر، با تولید ناخالص داخلی متفاوت و زیرساخت‌های بهداشتی گوناگون و ضعیف هستند. بی‌ثباتی‌های اجتماعی، بحران بی‌خانمان‌ها و موج مهاجرت‌ها از طریق مرزها، بر چالش‌های مرتبط با مراقبت‌های سلامتی در برابر ویروس کرونا افزوده است؛ به گونه‌ای که اگر تنش‌ها و منازعات سیاسی منطقه به این اوضاع اضافه شود، وضعیت به مراتب پیچیده‌تر خواهد شد و همکاری دولت‌ها برای مدیریت این بحران در مقایسه با سایر مناطق جهان بسیار سخت‌تر خواهد شد. درگیری‌ها و منازعات موجود در عراق، سوریه و یمن گویای این وضعیت بغرنج هستند. به عنوان مثال، در یمن با سرنگونی دولت یمن توسط حوثی‌ها و در پی آن تهاجم ائتلاف سعودی به این کشور، بزرگترین بحران خاورمیانه از سال ۲۰۱۵ تاکنون رقم زده شده است. حملات سعودی‌ها، تحریم‌های تحمیل شده، پیامدهای انسانی فاجعه باری را در این کشور فقیر رقم زده است؛ بی‌خانمانی بیش از یک میلیون نفر در شرایط شیوع ویروس کرونا، کمبود تجهیزات پزشکی، شیوع بیماری وبا، وضعیت وخیمی را در این کشور فرومانده ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که سازمان ملل، بحران انسانی یمن را «بدترین شکل آن در جهان خوانده است». با توجه به داده‌های فوق، این پرسش مطرح می‌شود که چرا شیوع کووید - ۱۹ در خاورمیانه، نه تنها باعث کاهش منازعات نشده است بلکه کاملاً برعکس، منجر به افزایش و شدت درگیری‌ها از سوی طرف‌های درگیر منازعه شده است؟ فرضیه موقتی ارائه شده مبتنی بر این است که طرف‌های درگیر منازعه، با شیوع کووید - ۱۹، در تلاش بوده تا از خلا امنیتی به وجود آمده که ناشی از درگیری دولت‌ها با کووید - ۱۹ بوده، استفاده کرده و موازنه قدرت در منطقه را به نفع خود تغییر دهند؛ از این رو، این گروه‌ها نه تنها حجم تنش‌ها را کاهش نداده، بلکه برعکس بر تداوم و شدت حملات خود نیز افزوده‌اند. یافته‌های پژوهش با کاربست نظریه واقعگرایی تدافعی استفن والت نشان می‌دهد که ادراک تهدید طرف‌های درگیر در خاورمیانه، با وجود شیوع کووید - ۱۹، همچنان مبتنی بر تهدیدات نظامی بوده و

طرف‌های منازعه درصدد ایجاد یک توازن تهدید در منطقه به نفع خودشان هستند. بنابراین شیوع ویروس کرونا در مناطق مورد منازعه مانند سوریه، عراق و یمن منجر به کاهش منازعات نشده است و طرفین درگیری با درک اینکه محدودیت‌های ناشی از مقابله با کووید - ۱۹، فرصتی را برای آنها ایجاد کرده است تا توانمندی دولت‌های ضعیف را هرچه بیشتر به چالش بکشند و بر بی‌ثباتی و گسترش خشونت و اعتراضات داخلی بیفزایند و از این طریق موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهند. بنابراین به نظر می‌رسد این وضعیت بر ناامنی و فروماندگی هرچه بیشتر دولت‌های درگیر در این منطقه کمک خواهد کرد. به گونه‌ای که این دولت‌ها توانمندی تأمین امنیت و کارکردهای توسعه‌ای و سلامتی در داخل و کنترل مؤثر مرزها، برای مهار و مقابله مؤثر با کرونا را نداشته و گروه‌های درگیر منازعه از فرصت پیش آمده بهره برده و بر ادامه درگیری‌ها برای کسب اهداف سیاسی امنیتی خود اصرار می‌ورزند که این وضعیت نیز مجدداً باعث افزایش درگیری‌ها و منازعات در منطقه خواهد شد. لذا می‌توان یک همبستگی مثبتی را بین افزایش کوید - ۱۹ در منطقه و افزایش تنش‌ها و درگیری‌های نظامی مشاهده کرد.

چارچوب نظری: تئوری واقع‌گرایی تدافعی

فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه، دولت‌هایی که این را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به بروز منازعات رخ خواهند نمود. به علاوه، آنها آنارشی بین‌المللی را هابزی و یا خوش‌خیم نمی‌بینند، بلکه بر آنند که نمی‌توان آن را به سهولت فهمید و این دولت مردانند که باید در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید یا عدم آن پردازند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳). استفن والت، طراح تئوری موازنه تهدید، فرمول‌بندی نوینی را از تئوری موازنه قدرت والتز ارائه داده است. والت کارش را با این پرسش آغاز می‌کند که امنیت در برابر چه چیزی باید باشد؟ او بر

این باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می‌شود. به باور والت، تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این اساس دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولت‌هایی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کنند. تهدید، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزکارانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار است به علاوه نیت و مقاصد دولت‌ها نیز ممکن است تغییر کند (Walt, 1987: 28).

نزدیکی و مجاورت جغرافیایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تهدیدزایی و «ادراک تهدید» کشورها دارد. به طوری که کشورها از همسایگان قدرتمند خود بیش از کشورهای قدرتمندی که دور از آنها قرار دارند، می‌ترسند و احساس تهدید می‌کنند. برای مثال، اوکراین بیشتر از ایتالیا، از قدرت روسیه احساس تهدید و خطر می‌کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). دولت‌ها هنگام مواجهه با یک تهدید برجسته دو استراتژی کلان را در پیش‌رو خود می‌گیرند، آنها یا استراتژی موازنه قوا را بر می‌گزینند و یا اینکه ناگزیر از اتخاذ استراتژی دنباله‌روی می‌شوند (Walt, 2008: 9). موازنه به معنای اتحاد و ائتلاف با دیگران علیه تهدیدات است و دنباله‌روی به معنای پیوستن دولت تهدید شده به مرجع خطر یا تهدیدآمیزترین دولت است. والت می‌گوید اتحادها و ائتلاف‌ها، تعهدات رسمی یا غیر رسمی جهت همکاری امنیتی بین دو یا چند دولتند که به منظور افزایش قدرت و نفوذ و در نهایت امنیت دولت‌های عضو ایجاد می‌شود، گرچه اساس این الگوهای همکاری بر ترتیباتی متمایز استوار است، اما همگی آنها در یک عنصر ضروری مشترک یعنی تعهد به حمایت متقابل علیه برخی از دیگر بازیگران در سیستم بین‌المللی سهیم‌اند (Lobll, 2009: 15).

تأثیر کووید-۱۹ بر منازعات و شکنندگی دولت‌ها در خاورمیانه در برابر آن

خاورمیانه از مهمترین کانون‌های منازعه و بحران در جهان است. این منطقه در سال‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم درگیر منازعات بسیاری بوده است. شاید هیچ منطقه دیگری از جهان به اندازه خاورمیانه با منازعه روبه‌رو نبوده است. به گفته بری

بوزان «خاورمیانه ساختاری همواره کشمکش‌زا» دارد. یادآوری آنچه در طی سال‌های گذشته روی داده است، بسیار تکان دهنده می‌باشد: جنگ عراق علیه ایران، اشغال کویت توسط عراق، حمله نظامی آمریکا به عراق، مداخلات نظامی مکرر ترکیه در شمال عراق، رشد عملیات تروریستی در منطقه، تشدید عملیات انتفاضه در فلسطین، جنگ داخلی در یمن، جنگ داخلی در لبنان، برخوردهای نظامی بین کشورهای حوزه دریای سرخ، چالش‌های اروپا و آمریکا در حوزه خلیج فارس، منازعات ترکیه و سوریه نمونه‌هایی از درگیری‌های بی‌پایان در خاورمیانه می‌باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۵). وجود این چالش‌ها و منازعات، زمینه‌ساز بروز دولت‌های شکسته خورده در برخی کشورهای خاورمیانه شده است. این وضعیت، به خودی خود زمینه بروز بحران‌های متعددی همچون جنگ، گسترش تروریسم، انتقال قدرت به شیوه سخت و مداخله خارجی را در منطقه فراهم کرده است. ناتوانی در کنترل مرزهای ملی و اشتراک در مشکلات، مانند تنش‌های قومی- مذهبی و اختلافات مرزی، زمینه‌های گسترش خشونت به دیگر کشورهای منطقه را مهیا کرده است (سلطانی گیشینی، وثوقی، ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

اگرچه سابقه دولت‌های ورشکسته در خاورمیانه به پیش از ناآرامی‌های فراگیر سال ۲۰۱۱، بازمی‌گردد، اما اعتراضات مورد بحث موجی از فترت و ضعف را برای نهاد دولت در خاورمیانه به دنبال داشته است. به طوری که موجب تشدید ورشکستگی در برخی از دولت‌ها، افزایش تعداد دولت‌های ورشکسته در منطقه و تبدیل وضعیت کشورها از ورشکسته به فروپاشیده گردیده است (زیبایی، ۱۳۹۷: ۵۴). دولت‌های شکننده در خاورمیانه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دولت‌های بحران‌زده یا بحرانی^۱ و دولت‌های فروپاشیده^۲. دولت‌های بحران‌زده یا بحرانی، دولت‌هایی هستند که با وخیم شدن وضعیت و شرایط داخلی، به مرحله بحرانی رسیده‌اند یا اینکه تحت فشار و تنش‌های شدید داخلی قرار گرفته و نهادهای حاکم نیز با اعتراضات جدی مواجه بوده که به طور بالقوه توان برخورد و مدیریت شوک‌ها و کشمکش‌ها را نداشته‌اند؛ بنابراین خطر فروپاشی و سقوط این دولت‌ها وجود دارد (اختیاری امیری، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

1. Crisis State
2. Failed State

از این‌رو، منظور از دولت‌های فروپاشیده یا ورشکسته در این تحقیق، دولت‌هایی هستند که قادر به تأمین امنیت و کارکردهای توسعه‌ای و بهداشتی و درمانی نبوده و همچنین کنترل مؤثری نیز بر مرزها و قلمرو سرزمینی خود ندارند. البته فروپاشی این دولت‌ها صرفاً ناشی از عوامل داخلی نمی‌باشد. مداخله خارجی از طریق تشدید جنگ‌های قومی با حمایت از نیروهای معارض نیز می‌تواند موجب بی‌ثباتی و نهایتاً فروپاشی این دولت‌ها گردد. شیوع کووید - ۱۹، بعنوان یک تهدید جدید، بر بی‌ثباتی این دولت‌ها افزوده است. این پاندمی به مدیریت و اقدامات جدی نیاز دارد تا پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کمتری را متوجه این دولت‌ها سازد. یکی از مهمترین اقداماتی که برای مهار و مقابله با این بیماری نیاز است همکاری بین‌دولتی است. مسئولیت دولت‌ها برای مراقبت‌های بهداشتی، کنترل رفت و آمدها در استان‌های همجوار این منطقه، ضروری است. با توجه به ضعیف و شکننده بودن دولت‌های درگیر در خاورمیانه، تداوم منازعه و جنگ در بحبوحه شیوع ویروس کرونا در خاورمیانه، باعث فروپاشی کامل نظام‌های بهداشتی و درمانی در این منطقه شود و یک دور باطل جنگ و منازعه در حال وقوع باشد.

وجود میلیون‌ها آواره و بی‌خانمان در این منطقه، امکان فاصله‌گذاری‌های اجتماعی را تقریباً غیرممکن ساخته است. تجهیزات بهداشتی منطقه، آمادگی لازم برای پذیرش تعداد کثیری از بیماران مبتلا را ندارد. اکثر کشورهای این منطقه یا در حال جنگ هستند (سوریه، یمن) و یا بر اثر جنگ از نفس افتاده‌اند (عراق، اردن و مصر) و یا ورشکسته‌اند (لبنان) و یا آشکارا در زمره مدل دولت‌های شکننده (دیگر دولت‌های منطقه خلیج فارس) قرار دارند. در بحث شکنندگی این دولت‌ها، یک نکته مهمی که باید ذکر شود این است که در اکثریت این موارد، فقدان شفافیت و عدم اعتماد و صداقت مردم با کسانی است که بر آنها حکومت می‌کنند، این حالت، مبارزه با گسترش ویروس را سخت‌تر کرده؛ به گونه‌ای که این وضعیت مشکلاتی را برای کنترل جمعیت، اجبار آنها به «ماندن در خانه» و همچنین جلب اعتماد آنها به اطلاعات ارائه شده از سوی مقامات دولتی ایجاد کرده است (Paquet, Mireille & Schertzer, 2020: 3). برای مثال، ایران به عنوان یکی از کشورهای که بیشترین آمار مبتلایان را در خاورمیانه دارد، بر اساس آمار مقامات دولتی تا مارس ۲۰۲۰، ۱,۶۸۵

نفر فوتی با ۲۱,۰۰۰ هزار نفر مبتلا داشته است. تحریم‌های چند دهه امریکا علیه ایران، توانایی مقابله مقامات ایرانی در مقابله با این بحران را کاهش داده است. افزایش تنش بین ایالات متحده و ایران در منطقه، در اثنای شیوع کوید - ۱۹، یک بازی حاصل جمع جبری صفر را رقم زده است. گسترش این بیماری برای امریکا به عنوان فرصتی برای افزایش فشار به دولت ایران در نظر گرفته شده است (Divsallar, Narbone, 2020: 1). برداشت‌های ایران و امریکا در طول دوره شیوع کووید - ۱۹، یادآور محرک‌های است که در طول دوره آنفولانزای ۱۹۱۸-۱۹۱۹، مشاهده می‌شد، زمانی که چشم‌انداز سیاست حاصل جمع صفر به نظر پایان‌ناپذیر می‌نمود (Walt, 2020).

سوریه نیز، اولین مورد ابتلا را در ۲۲ مارس ۲۰۲۰ اعلام کرد و دولت این کشور در ارائه اطلاعات مربوط به آمار فوتی‌ها و مبتلایان به ویروس کرونا خودداری کرد. علی‌رغم اینکه این ویروس در سراسر خاک سوریه پخش شده بود. سالیان طولانی جنگ در این کشور، تحریم‌های بین‌المللی و از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی آن، مانع از مقابله مؤثر دولت اسد با این بیماری شده است. اوضاع مصر نیز بهتر از دو مورد قبل نیست. با مثبت شدن تست کرونای چند گردشگر، این بیماری در این کشور شیوع پیدا کرد. بیش از ۱۰۰ میلیون جمعیت، شهرهای شلوغ و زیرساخت‌های ضعیف، مقامات دولتی مصری می‌بایست به سرعت برای مقابله با این اپیدمی آماده می‌شدند، در حالیکه این مقامات تنها به بستن دانشگاه‌ها، مدارس و سایر مراکز پرتجمع دیگر اکتفا کردند (Paquet, Mireille, Schertzer, 2020: 3). ویروس کووید - ۱۹، چالش‌های مشترک و یکسانی را فراروی دولت‌های خاورمیانه قرار خواهد داد؛ به گونه‌ای که این چالش‌ها ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی جایگاه این دولت را در نظام بین‌المللی را در بوته آزمایش خواهد گذاشت. دولت‌هایی که سیستم اقتصادی و سلامتی ضعیف‌تری دارند، کووید - ۱۹، تأثیرات شدیدتری را بر آنها خواهد گذاشت. بنابراین می‌توان گفت سطح اعتماد اجتماعی - دولتی و سطح مقاومت اجتماعی در برابر برنامه‌های مقابله‌ای دولت و همچنین فرهنگ رفتار همکاری‌جویانه، ظرفیت اجرای پاسخ‌های جمعی و نیز فرهنگ استراتژیک و توانایی برای بسیج منابع برای کسب منفعت مشترک و یک خیر جمعی در خاورمیانه بسیار ضروری به

نظر خواهند رسید (2: Divsallar, Narbone, 2020).

بنابراین می‌توان گفت کووید - ۱۹، ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و نیز محاسبات استراتژیکی دولت‌های ضعیف منطقه خاورمیانه را بشدت متأثر خواهد کرد و منازعه و بحران را در این منطقه احتمالاً تشدید خواهد نمود (Walt, 2020). دو عنصر تشریک مساعی و هماهنگی برای مقابله با کووید - ۱۹ ضروری است که به نظر در مناطق کشمکش‌زا که هر جوابی باید با پشتوانه نیروهای مسلح داده شوند، به راحتی قابل حصول نخواهد بود (Burke, 2020: 2).

تأثیر کووید - ۱۹ بر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت‌های خاورمیانه

بحران‌های بزرگ، پیامدهای بزرگی را در پی دارند که عمدتاً غیرقابل پیش‌بینی هستند. رکود بزرگ همراه با انزوگرایی، ناسیونالیسم، فاشیسم و جنگ جهانی دوم منجر به رشد ایالات متحده به عنوان ابرقدرت جهانی شد و حملات یازده سپتامبر تغییرات عمده دیگری را در سیستم بین‌المللی ایجاد کرد. شیوع کووید - ۱۹ نیز احتمالاً با تغییرات غیرقابل پیش‌بینی همراه خواهد شد. عملکرد دولت‌ها در مقابله با این بیماری بسیار متفاوت بوده است و این مسئله ارتباطی با نوع رژیم‌ها و حکومت‌ها نداشته است. بعضی از دموکرات‌ها عملکرد بهتری داشته‌اند و برخی دیگر خیر و این وضعیت برای رژیم‌های اقتدارگرا نیز یکسان بوده است. فاکتورهایی مانند ظرفیت دولت، اعتماد اجتماعی و رهبری برای مدیریت این شیوع بسیار مهم به نظر می‌رسند (Fuuyama, 2020).

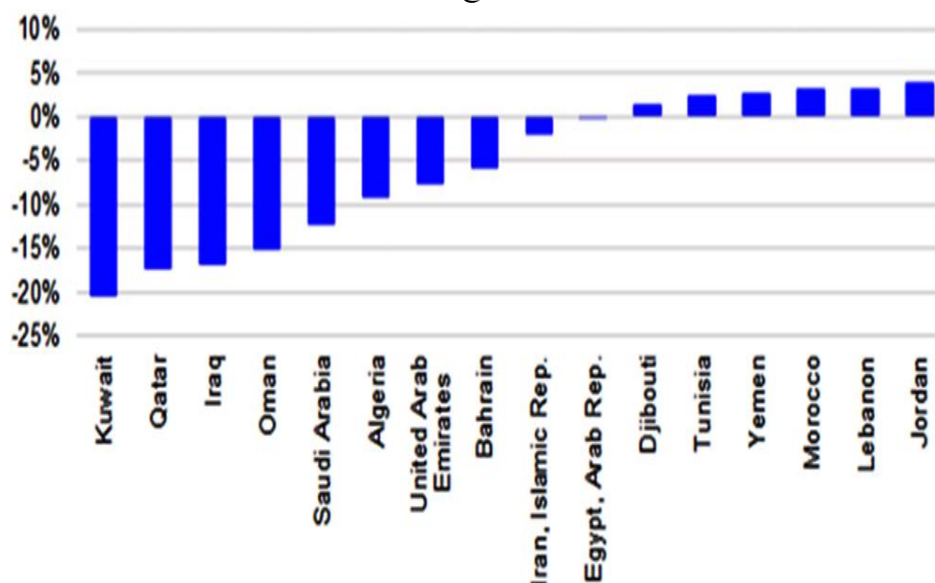
شیوع کووید - ۱۹ در مناطق جنگی، تأثیرات غیر قابل پیش‌بینی و فاجعه بالقوه‌ای را احتمالاً رقم خواهد زد. کووید - ۱۹ علاوه بر ایجاد ضعف‌های اقتصادی و اجتماعی در دولت‌های منطقه، تبعیض‌های قومی و مذهبی را نیز تشدید کرده است. دولت‌های ضعیف منطقه از ارائه خدمات بهداشتی به قومیت‌های مذهبی خودداری می‌کنند و این مسئله بر نارضایتی ملت‌ها از دولت‌هایشان می‌افزاید. برای مثال در پاکستان، اقلیت شیعه مسلمان آن به خاطر ارتباط با ایران مورد سرزنش قرار می‌گیرند. سنی‌ها مدعی هستند که شیعیان این ویروس را از ایران وارد کرده‌اند. اینگونه مسائل، ایجاد کننده رشته‌ای از علائم و دلالت‌های جدیدی

است که بالقوه تنش‌های مشترکی را ایجاد می‌کند و چالش‌های بیشتری را برای پاسخ جامع و سازماندهی شده از سوی دولت‌های منطقه ایجاد خواهد کرد (Burke, 2020: 2).

شیوع کووید-۱۹ می‌تواند پیامدهای درازمدتی را بر خاورمیانه بگذارد، این تأثیرات می‌تواند ترکیبی از آشفتگی‌های بازار نفت و کاهش نرخ رشد تولید داخلی باشد. بر اساس برآورد بانک جهانی از شاخص‌های اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، تا آوریل ۲۰۲۰، اقتصاد کشورهای این منطقه حدود ۱۱۶ میلیارد دلار یعنی معادل حدود ۳,۷ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ کوچکتر شده است. این منطقه بیش از هر منطقه‌ای دیگر همزمان با دو بحران کاهش قیمت نفت و شیوع ویروس کرونا مواجه شده است. تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا در سراسر خاورمیانه افزایش یافته و باعث افزایش نگرانی‌ها درباره ظرفیت مراقبت‌های بهداشتی این منطقه برای مقابله با این شیوع شده است. چالش‌های احتمالی این در هم ریختگی در سال‌های آتی نمایان‌تر خواهد شد. شاید اغراق‌آمیز نباشد که گفته شود تأثیرات و پیامدهای اقتصادی این شیوع کمتر از بحران ۱۹۲۹ نباشد. اولین و مهمترین پیامد اقتصادی ویروس کرونا بر خاورمیانه، کاهش قیمت نفت و تقاضای آن و درگیری بین اعضای اوپک و تولیدکنندگان نفت بود. با کاهش تقاضای نفت از سوی خریداران و درخواست کشورهای تولیدکننده برای کاهش تولید و عرضه نفت، اولین تنش‌ها و درگیری‌های بین تولیدکنندگان و خریداران عمده نفت یعنی آمریکا، روسیه و عربستان سعودی به وقوع پیوست که منجر به جنگ قیمت شد (Bhatiya, 2020). شیوع کرونا منجر به کاهش قیمت نفت به بیش از ۷۰ درصد شده است و این به معنای فروپاشی اقتصادی بسیاری از کشورهای ضعیف خاورمیانه و شمال آفریقا است. کاهش تقاضای نفت در بازار فروش، اقتصاد و ثبات سیاسی این دولت‌ها را با بحران مواجه ساخته است. در ۹ آوریل ۲۰۲۰ اعضای اوپک، روسیه و سایر تولیدکنندگان نفت با کاهش تولید موافقت کردند که در تاریخ اوپک بی‌سابقه بود. آنها با کاهش ۱۰ میلیون بشکه نفت یا ۱۰٪ تولید جهانی از بازار برای ماه‌های می و ژوئن موافقت کردند (OECD, 2020).

۳۳۶ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۹۹ (پیاپی ۶۳)

نمودار ۱. قیمت نفت با شیوع کووید-۱۹ در خاورمیانه

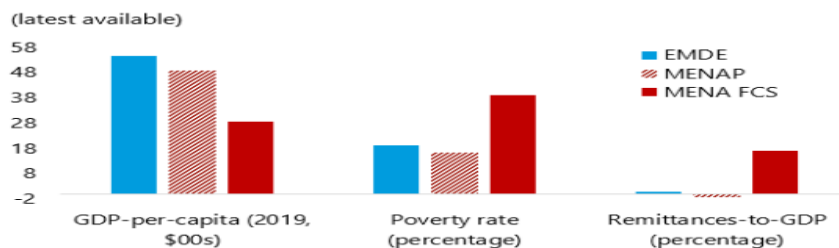


منبع (OECD, 2020)

کاهش قیمت نفت به خودی خود بر روی سایر صنایع وابسته به آن مانند، هوانوردی، صنایع غذایی، تجارت، مسافرت و توریسم و صنایع شیمیایی بیشترین تأثیر را گذاشته است و بسیاری از این صنایع یا از بین رفته‌اند یا تولیدشان بسیار کاهش یافته است. این وضعیت بر دامنه بیکاران و افزایش تورم در این کشورها افزوده است و منجر به بی‌ثباتی سیاسی و وقوع آشوب‌های اجتماعی شده است (Reserch and Markets, 2020). کاهش قیمت نفت در عربستان، مصر و سوریه باعث شده تا این دولت‌ها، یارانه‌های بسیاری از صنایع را حذف کنند که خود این مسئله فشار مضاعفی را بر تولیدکنندگان این کشورها آورده است. در عربستان طرح‌های اقتصادی بسیاری از جمله طرح افق ۲۰۳۰، در حال حاضر به تعلیق درآمده است (Masoud, 2020). تولید ناخالص داخلی (GDP) این دولت‌ها در حدود ۲۰ درصد افت نسبت به سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ داشته است. به گونه‌ای که از ۲,۹۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به ۲,۱۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است (IMF, 2020). در نمودار زیر این میزان کاهش بیان شده است.

نمودار ۲. کاهش GDP دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا و افزایش فقر

Poverty and Dependence
Remittances are expected to tumble by 20 percent in fragile and conflict states in the Middle East and North Africa.



Sources: World Bank, IMF, IMF staff calculations. National poverty lines are used.
Note: MENA FCS = Middle East and North Africa fragile and conflict states. It includes Afghanistan, Djibouti, Iraq, Lebanon, Libya, Somalia, Sudan, Syria, West Bank and Gaza, and Yemen.
EMDE = emerging market and developing economies. MENAP = Middle East, North Africa, Afghanistan, and Pakistan.

INTERNATIONAL MONETARY FUND

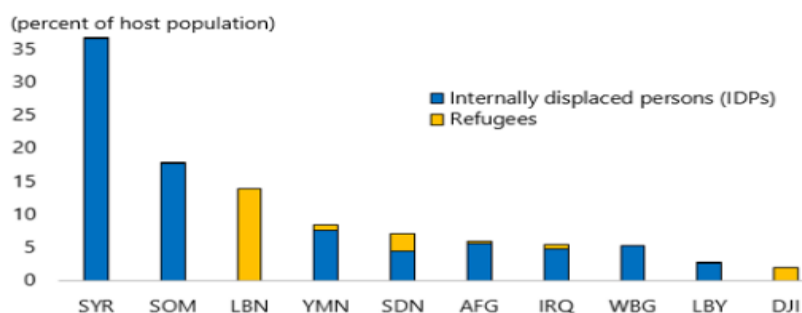
منبع (IMF, 2020).

کاهش چشمگیر GDP، زمانی که با چالش‌های انسانی همزمان می‌شود، عمق فاجعه را در این منطقه به نمایش می‌گذارد. شکنندگی و منازعات در این کشورها، فقر، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف دولت‌ها و فقر ساختاری را ایجاد کرده است. در ماندگی در رفع این تنش‌های بالقوه منجر به افزایش و تلبار شدن بی‌ثباتی‌ها سیاسی و اجتماعی می‌شوند و به صورت محرکی که چرخه مشقت‌های اقتصادی و منازعه را تقویت می‌کند، در آمده‌اند. بویژه در کشورهایی مانند سوریه، عراق، یمن و لیبی که در آن منازعه و جنگ در جریان است، چالش‌های بیشتری را به وجود آورده است. برای بخش‌های عمده‌ای از جمعیت این منطقه، امکان مبارزه با ویروس وجود ندارد. در این کشورها علاوه بر وجود ۱۷,۲ میلیون نفر بی‌خانمان در داخل کشور، میزبانی ۲,۷ میلیون پناهنده نیز مشکلاتی را ایجاد کرده است. بسیاری از این مردم در کمپ‌هایی زندگی می‌کنند که حتی دسترسی به آب سالم ندارند و عدم رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی منجر به افزایش سرعت شیوع ویروس کرونا شده است. از آنجایی که دولت‌های

این منطقه برای مهار ویروس، مقررات منع رفت و آمد را وضع کرده‌اند، فراهم کنندگان غذا بیشتر تحت تأثیر محدودیت‌های رفت و آمد هستند، سطح بالایی از ناامنی غذایی نیز چالش‌های سلامتی و فقر را بیشتر کرده است. در نمودار زیر وضعیت دسترسی کشورهای این منطقه به امکانات درمانی قابل مشاهده است. شاید در بهترین وضعیت بتوان گفت که در میان کشورهای بسیار ضعیف خاورمیانه، شرایط سوریه با دسترسی ۳۵ درصدی مردم به تجهیزات بهداشتی وضعیتی مناسب‌تر باشد.

نمودار ۳. وضعیت دسترسی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به امکانات بهداشتی

Refugees and Internally Displaced Persons Only 10 to 20 percent of refugees in Djibouti and Sudan are assured access to basic services.



Sources: UNHCR, Internal Displacement Monitoring Centre; IMF staff calculations.
These numbers are based on registrations, thus are lower bound estimates.

INTERNATIONAL MONETARY FUND

کاهش درآمد، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، شیوع بیماری و رنج از دست دادن نزدیکان در این شرایط، باعث افزایش اعتراضات علیه دولت‌های منطقه از سوی مردم در برخی از کشورها مانند عراق و لبنان شده است. بنابراین، عدم بازگشایی بسیاری از صنایع تجاری در این منطقه، باعث افزایش نرخ بیکاری شده است که در آینده‌ای نه چندان دور

منجر به بی‌ثباتی اجتماعی خواهد شد. دستگیری هزاران فعال سیاسی، مخالفین اجتماعی و اعضای گروه‌های مخالف، جنبش‌های اعتراضی ضد دولتی و تخریب اموال دولتی و خصوصی یا به عبارتی وندالیسم را افزایش خواهد داد (Masoud, 2020).

همچنین یکی دیگر از پیامدهای کووید-۱۹، ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اخلال در نظم اجتماعی دولت‌ها است. افزایش تعداد مرگ و میرها، عدم اطلاع‌رسانی مناسب و کمبود تجهیزات پزشکی می‌تواند باعث افزایش بی‌اعتمادی ملت‌ها به دولت‌های ضعیف‌شان در منطقه خاورمیانه شود. احتمال افزایش خشونت‌های شهری بسیار زیاد خواهد بود. همین امر می‌تواند شکاف‌های قومی- مذهبی را در این مناطق فعال‌تر کرده و منجر به افزایش تعداد گروه‌های افراط‌گرا یا افزایش تعداد اعضای تروریست‌هایی مانند داعش و القاعده گردد که پیامد این امر نیز می‌تواند به ضعیف‌تر شدن هر چه بیشتر دولت‌های منطقه و نیز گسترش خشونت‌ها و درگیری‌ها در منطقه باشد. با توجه به اینکه اهداف این گروه‌ها بیشتر ژئوپلیتیکی است و داعیه ایجاد دولت اسلامی را در این مناطق بویژه سوریه و عراق دارند (Crisis Group, 2020: 6).

در این هنگامه افزایش فعالیت‌های تروریست‌ها برای افزایش قدرت و نفوذشان در مناطق و کشورهای منطقه، به پیچیدگی وضعیت کمک کرده است. برای مثال القاعده و گروه تروریستی بوکوحرام فراخوان سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس و صلح برای مهار این بیماری را نادیده گرفتند و بر شدت حملاتشان در افغانستان، غرب افریقا و عراق و سوریه و دیگر دولت‌های ضعیف منطقه افزوده‌اند و ادعاهای جدیدی را بر سرزمین‌های دیگری مطرح کرده‌اند. علاوه بر این، داعش از این فرصت برای ارسال پیام‌های خود به گروه‌های مختلف استفاده کرده است: هشدار به پیروان و اعضای‌شان برای اعمال هشدارهای بهداشتی و معنوی به آنچه که آزمایش الهی علیه کافران خوانده می‌شود و در عین حال تشویق آنها به استفاده از لحظات برای شروع حمله بدون هیچ رحمی (Simons, Bianca, 2020: 10).

از تأثیرات احتمالی این ویروس بر وضعیت سیاسی خاورمیانه، همانند بحران مالی ۲۰۰۸، افزایش تنش بین قدرت‌های بزرگ برای کنترل منطقه خواهد بود. تنش بین ایالات متحده (به عنوان حافظ ثبات مالی بین‌المللی)، چین به عنوان کشوری که در حال حاضر بیشترین کمک‌های بهداشتی و درمانی را برای کشورهای منطقه فراهم می‌آورد- و روسیه که در حال

مدیریت منازعات منطقه با یک شخصیت بین‌المللی بالایی است، افزایش خواهد یافت (Egel, RIES & SHATZ, 2020). افزایش درگیری روسیه در منطقه، یک فرصت بسیار بزرگی را برای آن فراهم آورده است. به گونه‌ای که ممکن است در نتایج و پیامدهای کووید-۱۹، تغییراتی را ایجاد کند. همانگونه که حضور آن در سوریه در بعد از شیوع ویروس بیشتر شده است. مشاهده نقش حساس چین نیز در خاورمیانه برای نقش‌آفرینی آینده بسیار قابل توجه است. چین در حال حاضر بشدت در ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی در منطقه از طریق طرح یک کمربند یک جاده فعال است. گرچه منافع اقتصادی چین عمدتاً محرک استراتژی آن در خاورمیانه بوده است، اما تصور نفوذ این کشور در حوزه‌های سیاسی و استراتژیکی خاورمیانه که در حال حاضر در حال افزایش است، سخت نیست. برخی از تحلیلگران بحران کووید-۱۹ را به صورت یک عنصر تحکیم‌بخش رشد چین می‌بینند، بحث بر سر تغییر نظم جهانی، دقیقاً به معنای ظهور چین و افول ایالات متحده است که کووید-۱۹ این فرصت را ایجاد کرده است. با بهره بردن از گام‌های اشتباه آمریکا، چین در حال اثبات جایگاه خود به عنوان یک رهبر جهانی در این پاندمی با ارائه تجهیزات پزشکی فراوان به سایر مناطق برآمده است (Dassa Kaye, 2020).

رکود اقتصادی و در پی آن بیکار و فقیر شدن هزاران نفر در خاورمیانه به طرز وحشتناکی در حال تشدید شدن است و احتمالاً نتیجه این وضعیت، افزایش تنش‌ها و جنگ بین دولت‌ها بویژه دولت‌های ضعیف و آسیب‌پذیر خواهد بود. استفن والت معتقد است: «بدبینی‌هایی که ناشی از پیامدهای کوتاه و بلندمدت کووید-۱۹ است، منجر به افزایش سوء برداشت‌ها و جنگ و منازعات خواهد شد. بویژه اگر دولت‌های درگیر تصور کنند که با سرعت خوبی جنگ را می‌برند حتی اگر یک پیروزی ناچیزی سهم آنان باشد. همانگونه که جان مرشایمر هم در کتاب کلاسیک خود «بازدارندگی متعارف»، معتقد است دولت‌ها با این نیت جنگ را شروع می‌کنند که به منفعت سریعی می‌رسند و اینگونه خود را متقاعد می‌کنند که جنگ طولانی نخواهد بود. نمونه‌های آن را می‌توان در حملات نازی‌ها، حمله صدام به ایران و کویت، حمله آمریکا به عراق و غیره دید. بنابراین این سوء برداشت رهبران از شرایط موجود منجر به افزایش جنگ و تنش می‌شود نه وضعیت اسفناک اقتصادی آنها. یک محرک مهم

دیگر هم برای آغاز جنگ‌ها، آرزوی کسب امنیت بیشتر است، نه دستاوردهای اقتصادی صرف. بنابراین زمانی که دولت‌ها یا طرف‌های درگیر تصور کنند که ممکن است در بلندمدت موازنه قدرت علیه آنها تغییر یابد و دشمنی‌های موجود تغییر نخواهند کرد و هماهنگی برای دفع یک خطر مشترک به وجود نخواهد آمد و مهمتر از همه زمانی که این دولت‌ها مطمئن شوند که آنها می‌توانند روند ناخوشایند جاری را به نفع خودشان تغییر دهند و یک جایگاه مطمئن‌تری را کسب خواهند کرد؛ به سرعت وارد میدان نبرد خواهند شد» (Walt, 2020). حتی اگر کووید-۱۹، بدترین و گسترده‌ترین تأثیرات اقتصادی را بجا گذارد، منجر به جنگ و درگیری بین دولت‌ها نخواهد شد. شرایط بد اقتصادی تنها می‌تواند بر روی جنبش‌های سیاسی و در تصمیماتی برای جنگ یا صلح بویژه در کوتاه‌مدت تأثیر گذار باشد. بنابراین عدم مدیریت این آشفتگی‌ها از سوی دولت‌های ضعیفی چون عراق، سوریه و یمن که تحت تحریم‌های بین‌المللی نیز هستند، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به عبارتی جنگیدن در دو جبهه کووید-۱۹ و مبارزه با افراط‌گرایان حداقل توان این دولت‌ها را به چالش کشیده است و هر دولتی در تلاش است تا این وضعیت را به تنهایی و با اتکا به توان داخلی خود مدیریت کند. همانطور که واقع‌گرایان معتقد هستند ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی، دولت‌ها را به سوی فهم مشترکی از تهدیدات و در نتیجه رفتار مشابه سوق می‌دهد، در منطقه خاورمیانه نیز با شیوع تهدید کرونا، دولت‌های این منطقه علی‌رغم وجود تهدید جانی کووید-۱۹، همچنان تهدیدات نظامی از سوی دولت‌های دیگر مانند آنچه که در مورد عربستان و یمن مشاهده می‌شود و یا گروه‌های افراط‌گرا مانند داعش و القاعده و جبهه النصره، به صورت مهمترین تهدید امنیتی در نظر گرفته می‌شوند. لذا این دولت‌ها تلاش می‌کنند تا وضعیت موجود را به نفع خود تغییر دهند و کفه تعادل قدرت منطقه‌ای را به سمت و سوی خود هدایت کنند. در ادامه برای بحث بیشتر به تحلیل سه منازعه جاری در منطقه خاورمیانه پرداخته می‌شود.

گسترش کووید - ۱۹ و منازعات نظامی در خاورمیانه

منازعه عربستان و یمن

با شیوع کووید - ۱۹ در عربستان سعودی، این دولت همانند بسیاری از دولت‌های منطقه

تدابیر پیشگیرانه‌ای را برای جلوگیری از گسترش هرچه بیشتر آن در قلمرو خود اتخاذ کرد. برای مثال این دولت علاوه بر بستن مرزهای خود، مانع از ورود زوار به مکه شد. شیوع ویروس کرونا در عربستان همزمان با کاهش قیمت نفت و افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها با روسیه و امریکا بر سر کاهش تولید نفت، باعث شد تا این کشور علاوه بر تنش‌ها و درگیری‌های دیپلماتیک با متحدین خود، با فشار شدید اقتصادی نیز مواجه شود. علاوه بر این درگیری و جنگ فرسایشی آن با دولت ضعیف یمن، عربستان را در کوتاه‌مدت به سوی تغییر رفتار سوق داد. این دولت با درخواست سازمان ملل، سازمان اتحاد عربی و شرکای پادشاهی در شورای همکاری خلیج فارس، به دنبال راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای حل و فصل جنگ و درگیری با یمن برآمد. از این رو دولت سعودی، در روز ۸ آوریل ۲۰۲۰ به طور یکجانبه اعلام آتش بس دوهفته‌ای را علیه حوثی‌ها اعلام کرد که از فردای آن روز اجرایی شد و قرار شد در صورت پیشرفت مذاکرات، تداوم داشته باشد. بر طبق بیانیه پادشاهی سعودی که به نام «ائتلاف برای بازیابی مشروعیت در یمن» منتشر شد، هدف از این آتش‌بس، مقابله با شیوع بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ و تلاش‌های جدید برای مذاکره بر سر راه‌حلی همه‌جانبه بوده است. علی‌رغم این آتش‌بس کوتاه‌مدت، جنگ در مناطق درگیری همچنان ادامه یافت و طرفین حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود نشدند (Sharp, 2020).

جدای از حوثی‌ها، شورش‌های جدایی‌طلبی که بندر عدن در جنوب یمن را تحت کنترل خود داشتند، نیز حاضر به ترک میدان جنگ نشدند. این جدایی‌طلبان توسط امارات متحده عربی و ائتلاف عربستان سعودی آموزش دیده و تجهیز شده بودند. بنابراین حتی اگر سعودی‌ها هم مایل به پایان درگیری می‌بودند، احتمال اینکه این گروه‌ها به سادگی یمن را ترک کنند و آن را به دست گروه‌های رقیب بسپارند، بسیار بعید به نظر می‌رسید. از دیدگاه سعودی‌ها، ترک یمن در شرایط کنونی سبب می‌شد که حوثی‌ها، نایبان قدرتمند ایرانی‌ها، کنترل مناطق مرزی و شاید سراسر یمن را به دست گیرند. عربستان، ایران را رقیبی خطرناک و مصمم فرض می‌کند و می‌توان گفت که مخالفت با نقش ایران در منطقه، انگیزه اصلی سعودی برای ورود به جنگ یمن بوده است. بنابراین جنگ یمن علی‌رغم تلاش‌های بی‌وقفه گری‌نیت، نماینده سازمان ملل در یمن، و حتی عقب‌نشینی نسبی عربستان از درگیری نظامی، به اشکال دیگر تداوم پیدا کرد. از

سوی، تنش‌ها و درگیری‌های گروه‌های داخلی یمن، همزمان با شیوع ویروس کرونا در این کشور ضعیف نیز قابل تأمل است: نیروهای انصارالله حوزه قلمروی خود را از صنعا، پایتخت یمن، به نواحی شمالی که مراکز اصلی گازی و نفتی هستند، گسترش داده است و دولت مستعفی یمن که تحت حمایت عربستان بوده و از نظر نظامی نیز متحمل شکستی جدی در برابر انصارالله شده بود، در داخل مورد انتقاد فراوان قرار گرفت. بنابراین با توجه به افزایش تنش‌های سیاسی داخلی یمن، این گروه‌ها حاضر به ترک میدان نبرد با عربستان نشده و همچنان درگیری در این مناطق همانند گذشته در جریان است (Lilian Diab, 2020: 2).

شاید برای این وضعیت بتوان دو دلیل عمده را ذکر کرد: یکی از دلایل را می‌توان رویارویی عربستان با کرونا در داخل قلمروی حاکمیتی خود و نیز کاهش قیمت نفت فرض کرد که موضوع یمن را در نگاه اول به اولویت‌های بعدی این کشور تبدیل کرده است و دلیل دوم نیز ممکن است این فرض باشد که انصارالله برای حفظ مشروعیت خود در بین مردم تلاش می‌کند تا نشان دهد که توان مدیریت بحران کرونا را دارد. انصارالله درصدد است تا از وضعیت شیوع کرونا بهره‌برداری سیاسی کرده و شیوع ویروس را این‌گونه توجیح کند که علی‌رغم تلاش این دولت برای مهار کرونا، مداخله کشورهای خارجی در روند رسیدن تجهیزات درمانی و بهداشتی مانع از مهار کرونا شده است. به گونه‌ای که بنا به گفته وزارت بهداشت یمن، طاه‌المتوکل، در ۸ آوریل، عربستان سعودی چهار فروند هواپیمای حامل مسافر را به یمن فرستاده و مراکز قرنطینه پزشکی این کشور را در استان‌های البیضاء و الحدیده مورد هدف قرار داده است. علی‌رغم اینکه این دولت تدابیر پیشگیرانه را اتخاذ کرده و مسافران خارجی را ۱۴ روز قرنطینه خانگی کرده بود (Sharp, 2020).

تأثیر کووید - ۱۹، بر وضعیت آواره‌گان و اوضاع داخلی یمن

کووید- ۱۹، احتمالاً خطرات بسیار بزرگتری را برای یمن ایجاد خواهد کرد. زیرساخت‌های ضعیف این دولت، ظرفیت مقابله آن را با این ویروس کاهش خواهد داد. جنگ و کشمکش این دولت، هم در داخل و هم با عربستان مانع از اعمال دستورالعمل‌های بهداشتی می‌شود. بحران کووید-۱۹ ممکن است تأثیرات بسیاری منفی را بر کمپ‌های

آواره‌گان منطقه خاورمیانه بگذارد و یک تهدید انسانی بسیار بزرگتر دیگری در این منطقه ایجاد کند. یافتن شیوه‌هایی برای نظم و انسجام به مهاجران و پناهندگان و ایجاد فاصله‌گذاری‌های اجتماعی و فیزیکی شاید تنها کلید جلوگیری از بحرانی شدن هر چه بیشتر اوضاع انسانی و هزینه‌های شدید اقتصادی آن باشد. با توجه به اینکه در این منطقه در حال حاضر حدود ۵۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه هستند، به نظر می‌رسد دولت‌ها باید حداکثر تلاش و همکاری را برای یافتن یک پاسخ مطمئن و سریع داشته باشند تا بتوانند با ایجاد امنیت غذایی، پیامدهای انسانی کووید-۱۹ را کمتر کنند. با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای کمک‌کننده بویژه کشورهای اروپای غربی، خود درگیر بحران کرونا بوده و امکان ارسال محموله‌های غذایی به دلیل لغو پروازها کمتر شده است، می‌توان پیش‌بینی کرد وضعیت انسانی این منطقه به مراتب وخیم‌تر از سایر مناطق جهان باشد (OECD, 2020).

از بین کشورهای منطقه، یمن در بدترین وضعیت انسانی و بهداشتی قرار دارد. کارشناسان بهداشت عمومی سازمان ملل متحد از شیوع بحران کرونا در یمن بسیار نگران هستند. بیش از نیمی از تجهیزات بهداشتی یمن یا در طول جنگ از بین رفته‌اند یا اینکه غیر قابل دسترسی هستند. به گونه‌ای که در کل یمن برای یک جمعیت ۳۰ میلیون نفری فقط ۷۰۰ دستگاه اکسیژن‌رسان وجود دارد. وضعیت کمک‌های بشردوستانه حتی تا قبل از کووید-۱۹ اسف‌بار بوده است؛ برای مثال آمریکا در سال ۲۰۱۵، تنها در حدود ۲,۴ میلیارد دلار کمک‌های بشردوستانه برای یمن ارسال کرده که این رقم با شیوع کرونا بسیار کمتر از قبل شده است. سازمان ملل بحران انسانی در یمن را بدترین نوع آن قبل از شیوع کرونا در جهان توصیف کرده بود. نزدیک به ۸۰ درصد از زیرساخت‌های بهداشتی این کشور فقیر در طی ۵ سال جنگ با عربستان سعودی از بین رفته و تنها کمتر از ۵۰ درصد باقی مانده آن در حال حاضر قابل استفاده بوده که این تجهیزات و پرسنل پزشکی اندک، تنها در سه بیمارستان صنعا، عدن و ال‌ماکلا متمرکز هستند و سایر نقاط کشور از داشتن بیمارستان و تجهیزات کادر درمانی محروم هستند (Burke, 2020).

بیش از ۳,۶ میلیون نفر از جمعیت یمن از آغاز جنگ در سال ۲۰۱۵ تاکنون آواره و بی‌خانمان شده‌اند که بیش از یک سوم این جمعیت در کمپ‌ها زندگی می‌کنند. این امر

امکان فاصله‌گذاری اجتماعی و فیزیکی را در این منطقه تقریباً غیرممکن ساخته است. علاوه بر این، کمبود و فقر تکنولوژی‌های ارتباط دسته‌جمعی و رسانه‌ای و همچنین عدم اعتماد اندک به نهادهای دولتی باعث شده تا مردم به توصیه‌های بهداشتی مقامات دولتی بی‌توجهی کنند. محدودیت‌های سفری تحمیل شده نیز باعث کاهش دسترسی هر چند اندک مردم به خدمات بهداشتی شده است. بنابراین خطرات کووید-۱۹ در حال ایجاد یک فقر گسترده‌تر و کمبود شدید منابع غذایی و بهداشتی برای حفظ و ادامه زندگی بشر در یمن شده است. درگیری گروه‌های مختلف در این کشور برای کسب اهداف سیاسی خود نیز مانع از دسترسی هرچند اندک مردم این کشور به اقدامات بشردوستانه و آسیب‌پذیرتر شدن آنها شده است (ACAPS, 2020). جنگ و درگیری بین فرمانداران الجوف^۱ و ماریب^۲ بیش از ۳۴,۰۰۰ نفر را از ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰، بی‌خانمان کرده و تقریباً ۴۰,۰۰۰ نفر را پیش از آغاز اولین هفته شیوع کووید-۱۹، در مارس ۲۰۲۰، آواره کرده بود. در صورت شکست یکی از گروه‌های دولت جمهوری، گروه داعش، حوثی‌ها، شورای انتقالی جنوبی، گروه القاعده، توازن قدرت به نفع دیگری برهم خواهد خورد و چالش عمیق‌تر دیگری را ایجاد خواهد کرد (Sharp, 2020). محمد الحوثی، ریس جمهور شورای انقلابی حوثی، عربستان را مسئول ورود کرونا به کشورش اعلام کرده و آن را ساخته شده توسط امریکا قلمداد کرده است. دولت یمن نیازمند واردات بیش از ۸۰ درصد از نیازهای غذایی خود از خارج است و به دلیل جنگ، شبکه‌های انتقال و توزیع کالا مختل شده‌اند و قیمت اقلام در آن کشور افزایش یافته است و این به معنای کاهش قدرت خرید مردم و عدم وجود امنیت غذایی و در نتیجه گسترش هرچه بیشتر کرونا در این کشور است.

منازعه دولت سوریه و گروه‌های افراط‌گرا

گروه‌های تروریستی در سوریه از تسهیلاتی که شیوع کووید-۱۹ برای آنها فراهم آورده، برای افزایش قدرت و نفوذشان در حال استفاده کردن هستند. این گروه‌ها نه تنها از مسیر خشونت سیاسی و استفاده از زور علیه مردم غیرنظامی درصدد رسیدن به اهداف خود هستند،

1. Al jawf
2. Marib

بلکه بیشتر از طریق ابزارهای کسب احساس مشروعیت سیاسی از طریق تدارک کمک‌های «انسان‌دوستانه» برای مردم غیرنظامی در مناطق تحت کنترل‌شان تلاش دارند تا به اهداف خود نائل شوند. علاوه بر این با داستان‌ها و نقل و قول‌ها، مثال‌ها و نمایش‌های عملیاتی و واقعی از ترور گروه‌ها، در حال نفع بردن از پاندمی، هم از لحاظ لجیستیکی و هم روانشناسانه هستند. یکی دیگر از ترندهای این گروه‌ها، ایجاد ترس و وحشت با ارائه اطلاعات نادرست به مردم و ایجاد آشوب و بی‌نظمی در جامعه است. اولین هدف این گروه‌ها از این اقدامات، سلب اعتماد مردم به دولت و ایجاد مشکل برای مقامات دولتی است. خود تروریست‌ها نیز برای جلوگیری از سرایت ویروس به مناطق تحت کنترل‌شان، علاوه بر استفاده از احکام پیامبر (ص) برای رعایت بهداشت، از رفت و آمدها جلوگیری می‌کنند (Simons, Bianca, 2020: 10).

گرچه شیوع کووید-۱۹، مشکلات داخلی این دولت را بیشتر کرده است اما فابریک بالانچ^۱، تحلیلگر مرکز مطالعات خاورمیانه معتقد است که این اپیدمی می‌تواند از یک طرف فرصتی را برای دولت اسد فراهم کند تا اثبات کند که قادر به کنترل این اپیدمی بوده و می‌تواند دولتی کارآمد و مؤثر باشد به گونه‌ای که تمامی مخالفان داخلی او دست از مخالفت برداشته و در زیر چتر این دولت قرار بگیرند و از سوی دیگر شیوع این بیماری می‌تواند باعث تسریع خروج نیروهای تحت رهبری آمریکا از سوریه گردد هر چند که در کوتاه‌مدت این وضعیت می‌تواند منجر به ایجاد یک خلاء قدرت در این مناطق شده و گروه‌های تکفیری و داعش در صدد استفاده از این شرایط باشند و دامنه خشونت‌ها و درگیری‌ها را در سوریه بیشتر کنند (Bangkok Post, 2020).

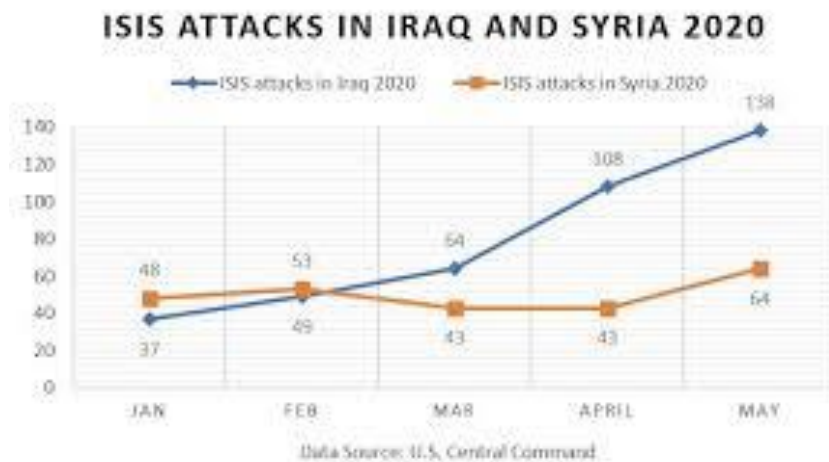
روند گسترش روزافزون کرونا در داخل سوریه و ناتوانی دولت اسد برای مدیریت این وضعیت حتی با اعلام وضعیت آتش‌بس در مناطق مورد منازعه با میانجیگری ترکیه و روسیه در ماه مارس ۲۰۲۰، یک خلاء قدرت به وجود آورده بود که در پی این خلاء قدرت، داعش یکی از مهمترین حملات تروریستی خود را در روز ۹ آوریل انجام داد. به گونه‌ای که بر طبق گزارش مرکز حقوق بشر سوریه، ۳۲ تن از مقامات دولتی سوری در این حملات کشته شدند و ۲۶ شبه نظامی داعش نیز در این درگیری‌ها کشته شدند. عدم ثبات سیاسی در سوریه این فرصت را برای

1. Fabrice Balanche

داعش به شدت تقویت کرد که بتواند هم تجدید قوا کند و هم استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگی خود را تغییر دهد. نزدیک به ۵۰۰ نیروی داعش که از زندان‌های سوریه فرار کردند، نیروهای کافی برای انجام یک عملیات مخفی را در سوریه فراهم آوردند که در مقایسه با دوره قبل از شیوع کووید-۱۹، میانگین ماهانه عملیات انجام شده توسط داعش در سوریه با میانگین ۲۰ عملیات در ماه قبل از آن، ثابت می‌کند که گروه تروریستی داعش و سایر افراط‌گرایان تکفیری دیگر یک تهدید رو به افزایش در سوریه هستند (3 : Lilian Diab, 2020).

حملات داعش در ماه‌های اخیر حدود ۶۹ درصد افزایش پیدا کرده است. در آوریل ۲۰۲۰، ۱۷۱ حمله در عراق و سوریه انجام داده است. کاملاً واضح است که داعش در حال پوست‌اندازی بعد از شکست استراتژی خلیفه اسلامی است و عمده‌ترین این حملات در کرکوک عراق با بیش از ۲۰۰ درصد و در دیاله (با حملات مرگبار روزانه) بوده است (Lister, 2020).

نمودار ۱. افزایش حملات داعش در سال ۲۰۲۰ در سوریه و عراق



منبع (wilsoncenter.org)

تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر اوضاع داخلی سوریه

اولین مورد از شیوع کووید-۱۹ در سوریه در ۲۲ مارس ۲۰۲۰ اعلام شد. دولت سوریه در

اقداماتی پیشگیرانه در همان روزهای اول مرزهایش را با لبنان بست و تدابیر بهداشتی بیشتری را اتخاذ کرد. اما از آنجایی که بیشتر مراکز درمانی سوریه در جریان حملات شیمیایی داعش و عناصر تروریستی مورد هدف قرار گرفتند و تخریب شده بودند، این سیاست و اقدامات دولت اسد خیلی موفقیت‌آمیز نبود. بنابراین شیوع کووید-۱۹ در این کشور با سرعت بیشتری بویژه در استان‌هایی درگیر جنگ با داعش بودند، شیوع پیدا کرد. وجود مدیریت چندجانبه در سوریه - دولت اسد در دمشق، حکومت خود مختار کردها در شمال شرقی و حکومت رهبران تروریست در ادلب - مشکلاتی عظیمی را برای مدیریت تهدید ویروس کرونا به وجود آورده است. بنابراین ۹ سال جنگ و خشونت‌های شدید مداوم، باعث کشته شدن هزاران نفر و آواره شدن میلیون‌ها سوری شد؛ زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی و اقتصاد این کشور نیز یا به صورت کامل از بین رفته و یا بقایای مانده آن قابل استفاده برای درمان بیماران نبوده است (Lilian Diab, 2020: 2).

بنابراین، دولت سوریه با وجود کمبود شدید تجهیزات بهداشتی و درمانی و نیز تحریم‌های بین‌المللی خیلی قادر به مهار این بیماری بویژه در استان‌هایی مانند ادلب که تحت کنترل تروریست‌ها می‌باشد، نشده است. پترسون فرستاده سازمان ملل متحد در امور سوریه طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در صورت شیوع اپیدمی ویروس کرونا در اردوگاه‌های آوارگان سوری، یک فاجعه انسانی رخ خواهد داد. در این اردوگاه‌ها حدود ۶,۵ میلیون آواره در داخل سوریه و ۵,۶ میلیون پناهجو در خارج زندگی می‌کنند که بیشتر آنها از دسترسی به ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی محروم هستند.

منازعه عراق و گروه‌های تکفیری افراط‌گرا

در شرایط کنونی که عراق از یک سو با مسأله داخلی انتخاب نخست وزیر و معرفی کابینه و از سوی دیگر با بحران فراگیر و جهانی کرونا مواجه است، خیز مجدد داعش و گروه‌های افراط‌گرا در این کشور بسیار قابل تأمل است. از زمان شیوع کرونا در عراق، داعش قریب به ۱۵۰ یورش در مناطق مختلف عراق انجام داده است. داعش از خلا قدرت موجود در عراق و ضعف دولت مرکزی این کشور در بحبوحه مقابله با بیماری کرونا استفاده کرده است. به

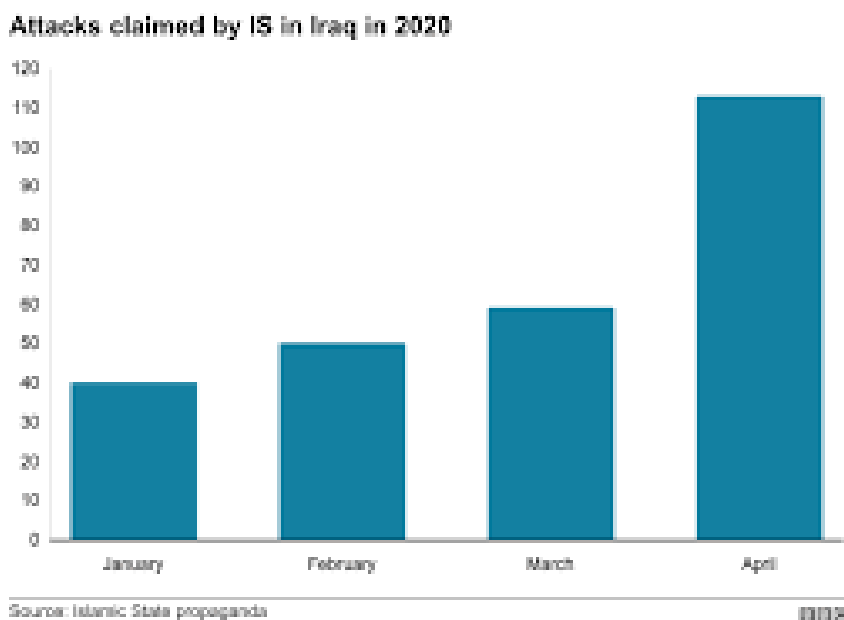
گونه‌ای که این وضعیت به این گروه این امکان را داده است تا با تجدید قوای مجدد، به برنامه‌ریزی برای اشغال شهرها و مناطق مختلف عراق بپردازد و بار دیگر حوزه نفوذ خود را در این دولت - ملت ضعیف و شکننده تقویت کند. لذا پس از شیوع ویروس کرونا در عراق این گروه تروریستی قادر به انجام حملات شدیدتری در خاک این کشور شد که این امر سبب افزایش اعتماد به نفس این نیروهای افراط‌گرا شده است. به گونه‌ای که داعش و سایر افراط‌گرایان می‌کوشند تا با انجام اقدامات نمایشی و ایجاد فضا سازی‌های رسانه‌ای و رعب و وحشت، شکست گذشته خود در عراق را به نحوی جبران کرده و با ایجاد ناامنی و ترس، حضور و نفوذ پررنگ خود را در منطقه مجدداً اعلام کنند (Burke, 2020).

یکی دیگر از موضوعات قابل تأمل در مورد عراق این است که شروع مجدد حملات داعش، همزمان با خروج نیروهای نظامی امریکا از منطقه، به دلیل شیوع ویروس کرونا بوده است. ایالات متحده با فعال کردن تروریست‌های افراط‌گرا در عراق در نظر دارد، خلا قدرت بوجود آمده را پر کند؛ به همین دلیل در ماه‌های اخیر تلاش‌های بسیار زیادی را برای انتقال نیروهای داعشی از سوریه به عراق و قاچاق آنها از زندان الحسکه آغاز کرده است. داعش با فرض فرصت به وجود آمده از شیوع بیماری کووید -۱۹، در صدد تجدید نظر در استراتژی حملات تروریستی خود بوده است. یکی از این تغییرات استراتژی داعش، استراتژی «خلافت بدون سرزمین» است. داعش با خلا قدرت ناشی از خروج نیروهای فرانسوی و امریکایی از عراق و همچنین متوقف کردن فعالیت آموزشی پرسنل خود در برخی از پایگاه‌های نظامی و با حمایت ایالات متحده بر حملات خود در این سرزمین افزوده است. شکاف سیاسی، بی‌ثباتی و ناامنی در عراق، وضعیتی را ایجاد کرده است تا گروه‌های تروریست توانمندی‌های عملیاتی خود را تقویت کنند. داعش در مناطق روستایی که بیشترین معترضین علیه دولت در بغداد و استان‌های جنوبی عراق را در خود دارد، با هدف ایجاد ناامنی، بی‌ثباتی و تضعیف بیشتر دولت فرومانده عراق، با تخلیه پایگاه‌های نظامی ایالات متحده به دلیلی شیوع ویروس کرونا حملات شدیدتری را آغاز کرده‌اند.

همانگونه که در نمودار زیر هم قابل مشاهده است، از شروع کووید-۱۹ و آغاز اعتراضات در عراق تا ابتدای اکتبر ۲۰۲۰، ۴۹۶ عراقی کشته و ۱۷,۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند. شکاف

سیاسی بین مقامات دولتی عراق هم، زمینه بسیار مناسبی را برای تشدید حملات داعش در این کشور موجب شده است. برقراری حکومت نظامی در سراسر عراق به خاطر کووید-۱۹، تعلیق فعالیت‌های ائتلاف نظامی بین‌المللی تحت رهبری امریکا در عراق و عقب‌نشینی ایالات متحده از شش پایگاه نظامی در عراق منجر به تقویت داعش شد تا تحرکات و توانمندی‌های خود را برای هدایت حملات تروریستی بیشتر افزایش دهد. عدم وجود همبستگی بین حکومت مرکزی و حکومت منطقه‌ای کردستان عراق (KRG) و شکاف امنیتی بین آنها فضایی را برای سازماندهی بیشتر داعش فراهم آورده است. مجموع ۱۷۰ غیرنظامی و مقامات امنیتی در چهارماه اول ۲۰۲۰، در حملات تروریستی داعش کشته شده‌اند. این حملات در استان‌های الانبار، دیاله، کرکوک، صلاح‌الدین و موصل بیشتر بوده است (Nue Duz, 2020).

نمودار ۲. حملات داعش در عراق با شیوع کووید ۱۹-



در آوریل سال ۲۰۲۰، داعش دو اینفوگرافیک را منتشر کرد که خلاصه‌ای از فعالیت‌های این گروه تروریستی در مناطق مختلف جهان بود. اینفوگرافیک روزهای دوم الی هشتم

آوریل ۲۰۲۰، نشان می‌دهد که تعداد ۶۰ حمله در این مدت کوتاه صورت گرفته است. اگرچه بیشترین تلفات این حملات مربوط به غرب آفریقا بوده، اما نیمی از فعالیت‌های آن در عراق و سوریه انجام شده است. در ۱۶ آوریل ۲۰۲۰، داعش، اینفوگرافیک دیگری منتشر کرد که خلاصه‌ای از رویدادهای تروریستی منسوب به داعش در مقیاس جهانی بود. این گروه‌ها در این مدت ۴۹ حمله انجام داده‌اند که ۳۳ مورد از آنها در عراق بوده است. بنابراین بخش قابل توجهی از حملات داعش در عراق در ماه آوریل همزمان با محدودیت آمد و شد به دلیل ویروس کرونا در عراق بوده است. این وضعیت با توجه به تعداد شبه نظامیان داعش در عراق که در گزارش‌های اطلاعاتی در حدود ۳۰۰۰ نفر منعکس شده است، نشان می‌دهد که این قبیل حملات چرا در چنین دوره‌ای صورت گرفته است (Bangkok Post, 2020).

تأثیر کووید -۱۹ بر اوضاع داخلی عراق

وضعیت بحرانی عراق، هم از نظر بهداشتی و درمانی به واسطه احتمال تداوم و تشدید شیوع کرونا و هم از جهت اقتصادی به دلیل کاهش شدید بهای نفت خام در بازارهای جهانی و به تبع آن کسری بودجه شدید که می‌تواند به یک بحران بزرگ اقتصادی در این کشور بیانجامد، سبب شده تا عراق با یکی از پیچیده‌ترین و بغرنج‌ترین شرایط مواجه باشد. کووید-۱۹، احتمالاً GDP عراق را تا ۵ درصد کاهش دهد. کاهش قیمت نفت و کاهش ورود تورسم مذهبی به این کشور وضعیت بسیار وخیم‌تری را رقم خواهد زد. میزبانی ۱,۵ میلیون پناهنده سوری و بی‌ثباتی سیاسی، تصویری مشخص از اینکه دولت عراق چگونه می‌خواهد این بحران را مدیریت کند، نمایان می‌سازد (Burke, 2020). اگر چه عراق تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی نیست و ارسال کمک‌های بشردوستانه به این کشور در مقایسه با سوریه و یمن محتمل‌تر است، اما نظام سلامت و بهداشت آن در فقیرترین شکل خود قرار دارد و این دولت را در مقابله با آشوب‌های اجتماعی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی و سیاسی، بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. همچنین این کشور تبدیل به عرصه رویارویی ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه شده است. دولت‌های ایران و آمریکا که شدیداً متأثر از آسیب‌ها و شیوع ویروس کرونا هستند، در ماه‌های اخیر شدت تنش‌ها و درگیری‌شان در حوزه نفوذشان یعنی خاک عراق

افزایش پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری

همانگونه که واقعگرایی تدافعی می‌گوید، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل سبب می‌شود که بازیگران ادراکات ذهنی خاصی را از وضعیت جاری در سیستم نظام بین‌المللی و منطقه‌ای در ذهن خود پرورش دهند که این برداشت ذهنی اساس رویکردها و رفتار آنها با سایر دولت‌ها و همسایگان‌شان در شرایط بروز تهدیدات امنیتی خواهد بود. حال در فضای فقدان اقتدار مرکزی منطقه خاورمیانه، آنچه که موجبات هراس و نگرانی دولت‌های همسایه بویژه دولت‌های ضعیف و شکننده را بیشتر کرده است، هراسی است که این دولت‌ها، از تحرکات نظامی طرف‌های درگیر و یا گروه‌های تروریستی افراط‌گرا در زمان شیوع ویروس کرونا بیشتر شده است، دارند. به عبارتی دیگر با درگیری این دولت‌ها با برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه بهداشتی برای کنترل و مهار کووید-۱۹ که بخش عمده‌ای از درآمد ملی آنها صرف این مسئله می‌شد و به عبارتی این بیماری توان اقتصادی این دولت‌ها را بیشتر از قبل تحلیل برده بود، گروه‌های تروریستی با درک و فهم این موضوع، به سرعت از خلا امنیتی به وجود آمده، بهره برده و درصدد کسب و توسعه اهداف منطقه‌ای خود برآمده‌اند. از این رو با افزایش درگیری‌های نظامی مجدد دولت‌ها با این گروه‌ها و نقض آتش‌بس‌های موقتی که برای کنترل ویروس کرونا ایجاد شده بود، تهدیدات امنیتی منطقه، همانند گذشته بر مبنای تهدیدات نظامی تفسیر و درک گردید. بنابراین، گروه‌های سیاسی مختلف یمن مانند انصارالله، دولت مستنفعی یمن و سایر جناح‌های درگیر جنگ با عربستان، با شیوع کرونا در مناطق جنگی، از این فضا بهره‌برداری سیاسی کرده و هر گروهی تلاش کرده تا خود را به عنوان یک دولت موفق و کارآمد در مدیریت وضع موجود نشان دهد. از این رو توافقنامه‌های آتش‌بس دو هفته‌ای وضع شده از سوی شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان ملل را نقض کرده و سعی در تغییر وضع موجود و اهداف سیاسی و امنیتی داخلی و بین‌المللی به نفع خود داشته‌اند. به گونه‌ای که گروه‌هایی مانند انصارالله علاوه بر تلاش برای کسب مشروعیت داخلی، به دنبال معرفی کردن عربستان سعودی به عنوان عامل جنگ و عامل

شیوع ویروس کرونا در یمن بودند. از سوی دیگر در جبهه عربستان سعودی نیز، نخبگان این دولت با این تصور ذهنی که اگر آنها جنگ را متوقف کنند، کفه تعادل قدرت در منطقه به نفع ایرانیان رقم خواهد خورد؛ علی‌رغم اینکه این کشور با کاهش قیمت جهانی نفت و درگیری و تنش با روسیه بر سر کاهش عرضه نفت، قیمت آن و کاهش خرید آن از سوی ایالات متحده به دلیل شیوع کرونا و در نتیجه کاهش توان اقتصادی آن، به جنگ با دولت یمن ادامه دادند. در مورد وضعیت عراق و سوریه نیز وضع به همین منوال بوده است. دولت‌های عراق و سوریه نیز با شیوع ویروس کرونا در کشورشان در ابتدای امر، تدابیر بهداشتی را اتخاذ نمودند که این تدابیر شامل منع رفت و آمدهای داخلی اتباع و بستن مرزها با همسایگان آنها می‌شد. اقتصاد دولت‌های ضعیف که وابسته به فروش نفت و یا واردات از سایر کشورها بود، وضعیت بهداشتی و درمانی و در نتیجه توان اقتصادی آنها را وخیم‌تر کرد. فقدان زیرساخت‌های بهداشتی و عدم آمادگی کادر درمان این کشورها برای پیشگیری و درمان بیماران و سیل آوارگان در عراق و سوریه، ایجاد فاصله‌گذاری اجتماعی و فیزیکی را تقریباً غیرممکن ساخته است. همزمان با این وضعیت وخیم داخلی، برداشت ذهنی داعش و سایر گروه‌های تروریستی از این خلا امنیتی به وجود آمده، چنین بوده که آنها می‌توانند از این فضا به نفع خود استفاده کنند و به اهداف سیاسی خود برسند. از این رو این گروه‌ها با تغییر استراتژی‌ها و برنامه خود، به سرعت وارد میدان نبرد شده و حملات شدیدی را با حمایت مالی و بهداشتی از سوی رهبران خود بویژه ایالات متحده انجام دادند. بنابراین در این مناطق آنچه که به وقوع پیوسته است، تشدید منازعات و درگیری‌های نظامی بوده است. به عبارتی دیگر الزام ساختار منطقه‌ای که مبتنی بر فقدان اقتدار مرکزی و بی‌اعتمادی دولت‌های همسایه به یکدیگر و تلاش برای برقراری توازن تهدید در برابر دشمنان‌شان بوده‌اند؛ با شیوع کووید-۱۹ و تهدیدات اقتصادی، سیاسی - امنیتی و اجتماعی که فراروی این دولت‌ها قرار داده است، همچنان برداشت ذهنی این دولت‌ها مبتنی بر تهدیدات نظامی بوده و ایجاد ترتیبات امنیتی مشترک که لازمه مقابله با این بیماری بوده را دور از ذهن ساخته است. البته در این روند نباید نقش مداخله قدرت‌های بزرگ در منطقه و تلاش برای کسب جایگاه جدید برای خودشان در منطقه را دور از ذهن داشت.

منابع

الف- فارسی

- اختیاری امیری، رضا، (۱۳۹۶)، «تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۳.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۴)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)، چاپ اول، تهران: سمت.
- زیبایی، مهدی، (۱۳۹۷)، «نهاد دولت در خاورمیانه عربی پس از حوادث ۲۰۱۱»، فصلنامه دولت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- سلطانی گیشینی، محمد جواد؛ وثوقی، سعید؛ ابراهیمی، شهرزاد، (۱۳۹۶)، «دولت شکست خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: سمت.

ب- انگلیسی

- ACAPS, (2020), "Covid – 19 Impact on Yemen – Update", Risk Report, <http://www.acaps.org/special-report/covid-19-impact-yemen-update>, 9APRIL.
- Bangkok Post, (2020), "What Impact Is Covid – 19 Having on Middle East Conflict?", <http://www.bangkokpost.com/world/1893535>, 5APR2020.
- Bhatiya, Neil, (2020), "The Geo-economic Fallout of Covid- 19 for the Middle East", The Cairo Review of Global Affairs, <http://www.thecaireview.com/essay/the-geo-economic-fallout-of-covi...>
- Burke, Adam, (2020), "Peace and the Pandemic: The Impact of COVID – 19 on Conflict in Asia", DevpolicyBLOG, <http://devpolicy.org/peace-and-the-pandemic-the-impact-of-covid-202004414>.
- Crisis Group, (2020), "Covid-19 and Conflict: Seven Trends to Watch",

Crisis Group Briefing N4, March 2020.

- Dassa Kaye, Dalia, (2020), "Covid-19 Impact on Strategic Dynamic in the Middle East", Rand Corporation, <http://rand.org/blog/2020/03/covid-19-impacts-on-st...>

- Donnelly, Jack, (2017), *Realism and International Relations*, Cambridge University Press.

- Egle, Daniel, Ries, Charles P., Shatz, Howard J., (2020), "Economic Consequences of Covid-19 in the Middle East: Implications for U.S. National Security", Rand. <http://www.rand.org/blog/2020/04/economic-consequences-of-covid-19>.

- Fukuyama, Francis, (2020), "The Pandemic and Political Order", Foreign Affairs, June 9, 2020.

<http://www.devpolicy.org/peace-and-the-pandemic-the-impact-of-covid-19-on-conflict-in-asia-2020041>.

-IMF News, (2020), "Covid -19 Poses Formidable Threat for Fragile State in the Middle East and North Africa", International Monetary Fund.

- Lilian Diab, Jasmin, (2020), "Opinion – Coronavirus Amid Regional Instability in the Middle East", <https://www.eir.info/2020/03/25/coronavirus-amid-regional-instability-in-the-middle-east/>.

- Lister, Charles, (2020), "ISIS's Dramatic Escalation in Syria and Iraq", Middle East Institute, <http://mei.edu/blog/isiss-dramatic-escalation-syria-an...>

- Lobell, Steve, Eretal, ed, (2009), *Neo Classical Realism, The State and Foreign Policy*, Com Bridge: Cambridge, University Press.

- Masoud, Fahim, (2020), "Covid-19 Prompts Concerns of Social and Political Instability in Middle East and North Africa", Worldware, <http://worldawar.com/resources/blog>.

-Nur Duz, Zehra, (2020), "Daesh/ISIS Increases Attacks in Iraq Aimd Virus", Anadolu Agency, <http://aa.com.tr/en/middle-east/daesh-isis-increases-a...>

- OECD, (2020), "Covid-19 Crisis in MENA Country", <http://www.oecd.org/coronavirus/policy-responses/covid-19>.

- Paquet, Mireille, Schertzer (2020), "Covid-19 as a Complex Intergovernmental Problem", *Canadian Journal of Political Science* (2020), 1-5, Cambridge University Press.

- Reserch and Markets, (2020), "Impact of COVID-19 on Middle Eastern Counterries, 2019 -2025", CISION, <http://www.prnewsire.com/news-releases/impact-of-covid>.

- Sharp, Jermy M, (2020), "Yemen: Civil War and Regonal Intervention", Congressional Research Sarvice, April 23, <https://crsepotrs.congress.gov>.

- Simns, Greg, Bianca, Cristina, (2020), "The Specter of Terrorism During the Coronavirus Pandmic", *EINTERNATINAL RELATIONS*, <https://www.e-ir.info/2020/05/08/the-specter-of...>

- Taliaferro, Jeffrey, (2006), "State Building for Future Wars: Neoclassical Realism and the Resource Extracive stata", *Journal of Security Studies*, Vol. 2, No. 3.

-Walt, Stephan, (2020), "How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic", *Foreign Policy*, March 20, 2020, <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coroanvirus-pandemic>.

- Walt, Stephan.M., (2020), "Will a Global Depression Trigger Another World War?", *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2020/05/13/coronavirus-pan>.

- Walt, Stephen M, (1987), *The Origins of Alliance*, Cornell University Press.

- Walt, Stephen M., (2008), "Why Alliance Endure or Collops?", *Survival*, Vol. 39, No. 2.

- Wieclawski, Jacek, (2018), "Contemporary Realism and the Foreign Policy of the Russian Federation", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No.1.

